



- 1 کیست که مثل مرد حکیم باشد و کیست که تفسیر امر را بفهمد؟ حکمت روی انسان را روشن می‌سازد و سختی چهره او تبدیل می‌شود.
- 2 من تو را می‌گویم حکم پادشاه را نگاه دار و این را به سبب سوگند خدا.
- 3 شتاب مکن تا از حضور وی بروی و در امر بد جزم منما زیرا که او هر چه می‌خواهد به عمل می‌آورد.
- 4 جایی که سخن پادشاه است قوّت هست و کیست که به او بگوید چه می‌کنی؟
- 5 هر که حکم را نگاه دارد هیچ امر بد را نخواهد دید. و دل مرد حکیم وقت و قانون را می‌داند.
- 6 زیرا که برای هر مطلب وقتی و قانونی است چونکه شرارت انسان بر وی سنگین است.
- 7 زیرا آنچه را که واقع خواهد شد او نمی‌داند؛ و کیست که او را خبر دهد که چگونه خواهد شد؟
- 8 کسی نیست که بر روح تسلط داشته باشد تا روح خود را نگاه دارد و کسی بر روز موت تسلط ندارد؛ و در وقت جنگ مرخصی نیست و شرارت صاحبش را نجات نمی‌دهد.
- 9 این همه را دیدم و دل خود را بر هر عملی که زیر آفتاب کرده شود مشغول ساختم، وقتی که انسان بر انسان به جهت ضررش حکمرانی می‌کند.
- 10 و همچنین دیدم که شیربران دفن شدند، و آمدند و از مکان مقدّس رفتند و در شهری که در آن چنین عمل نمودند، فراموش شدند. این نیز بطلالت است.
- 11 چونکه فتوی بر عمل بد بزودی مجرا نمی‌شود، از این جهت دل بنی‌آدم در اندرون ایشان برای بدکرداری جازم می‌شود.
- 12 اگر چه گناهکار صد مرتبه شرارت ورزد و عمر دراز کند، معهذا می‌دانم برای آنانی که از خدا بترسند و به حضور وی خائف باشند، سعادت‌مندی خواهد بود.
- 13 اما برای شریر سعادت‌مندی نخواهد بود و مثل سایه، عمر دراز نخواهد کرد چونکه از خدا نمی‌ترسد.
- 14 بطلالتی هست که بر روی زمین کرده می‌شود، یعنی عادلان هستند که بر ایشان مثل عمل شیربران واقع می‌شود و شیربران‌اند که بر ایشان مثل عمل عادلان واقع می‌شود. پس گفتم که این نیز بطلالت است.
- 15 آنگاه شادمانی را مدح کردم زیرا که برای انسان زیر آسمان چیزی بهتر از این نیست که بخورد و بنوشد و شادی نماید و این در تمامی ایام عمرش که خدا در زیر آفتاب به وی دهد، در محتتش با او باقی ماند.
- 16 چونکه دل خود را بر آن نهادم تا حکمت را بفهمم و تا شغلی را که بر روی زمین کرده شود ببینم (چونکه هستند که شب و روز خواب را به چشمان خود نمی‌بینند)،
- 17 آنگاه تمامی صنعت خدا را دیدم که انسان، کاری را که زیر آفتاب کرده می‌شود، نمی‌تواند درک نماید و هر چند انسان برای تجسّس آن زیاده‌تر تفحص نماید، آن را کمتر درک می‌نماید؛ و اگر چه مرد حکیم نیز گمان برد که آن را می‌داند، اما آن را

